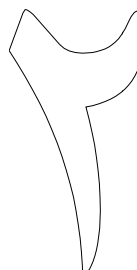


# دیپلماسی نوین در روابط خارجی؛ رویکردها و ابزارهای متغیر



\* دکتر رضا سیمبر

\*\* دکتر ارسلان قربانی

---

\* دکتر رضا سیمبر دانشیار دانشگاه گیلان می باشد (rezasimbar@hotmail.com)  
\*\* دکتر ارسلان قربانی استادیار دانشگاه تربیت معلم می باشد (ghorbani@tmu.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۱/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۱۹

فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، صص ۶۱-۴۳.

## چکیده

نوشتار حاضر کنکاشی دربارهٔ تحولات دیپلماسی نوین است. هرگاه که ساختارهای جهانی دستخوش تغییر و تحول شوند، دیپلماسی نیز متحول می‌شود. کم‌رنگ شدن حاکمیت دولت‌ها، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد بازیگران غیردولتی و آگاهی فزایندهٔ مردم در سطح جهانی از اصلی‌ترین عواملی هستند که در تحول دیپلماسی نقش‌آفرینی می‌کند. در اینجا تأکید می‌شود که دیپلماسی نوین، پدیده‌ای در بستر جامعهٔ مدنی جهانی است که در آن فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی، سازمان‌های جدید دولتی و غیردولتی، مردم، گروه‌های فشار، انجمن‌های تخصصی و نظایر آن، خواستار نقش‌آفرینی بیشتر در مسایل جهانی هستند. به نظر اینان مسایل زیست‌محیطی، بحران دیون نابرابری‌های اقتصادی بین‌الملل، جلوگیری از تنازعات، موضوعات مربوط به حقوق بشر و کمک‌های بشردوستانه، ایدز، فشار جمعیت، جلوگیری از تنازعات بومی و قومی، پدیده مهاجرت، پارادوکس‌های جهانی‌شدن و سایر بحران‌ها و چالش‌های فراسوی جامعهٔ بین‌المللی آن‌قدر پیچیده‌اند که ملت - کشورها و دیپلماسی سنتی به تنهایی نمی‌توانند با آنها مقابله کنند. در دیپلماسی نوین حرکت جدیدی در حال شکل‌گیری است که در آن سعی می‌شود با حرکت جدیدی برای حل مسایل و بحرانهای جهانی حرکت کرد.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی نوین، فناوری اطلاعاتی و رسانه‌ای، دیپلماسی کلاسیک وزارت خارجه، دیپلماسی عمومی، سازمان‌های غیردولتی

## مقدمه

به نظر می‌رسد پس از پایان جنگ سرد، بازیگران بین‌المللی تغییرات چشم‌گیری را در مدیریت سیاست خارجی و دیپلماسی خود به وجود آورده‌اند. در این میان، دو عامل عمده، به شکل بنیادین بر عرصه روابط بین‌الملل تأثیرگذار بوده است. عامل اصلی و اولیه توسعه سریع و شگفت‌انگیز فناوری اطلاعاتی و ارتباطی است که می‌تواند بر اقدامات دیپلماتیک تأثیرگذار باشد. این فناوری نوین و به‌ویژه گسترش اینترنت و کانال‌های تلویزیونی جهانی، باعث شده است، نقش محوری دیپلمات‌ها در عرصه روابط خارجی با بحران مواجه شود و در بسیاری از موارد، سفرا منبع اصلی اطلاعات خارجی محسوب نشوند. وجه دیگر این موضوع، شکل‌گیری بازیگران جدید دیپلماتیک به‌ویژه بازیگران غیردولتی است که اندک‌اندک در عرصه روابط بین‌الملل نوین نقش حایز اهمیتی یافته‌اند. بنابراین عرصه روابط بین‌الملل منحصر به بازیگران دولتی نیست.

**تأثیرگذاری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر سیاست خارجی و دیپلماسی**  
فناوری‌های نوین طی تاریخ تکوین خود دارای اطلاعاتی تأثیر عمده‌ای بر روند تصمیم‌گیری دیپلماتیک بوده است و امروزه می‌توانند به وجود آورنده شکل جدیدی از دیپلماسی باشد. تلگراف، نخستین قدم در این راه طولانی محسوب می‌شود. تلگراف و سپس تلفن و بعدها رادیو، نخستین نسل فناوری اطلاعاتی و ارتباطی هستند. اختراع تلویزیون، نسل اول کامپیوتر و ماهواره نقطه آغازین نسل دوم این دسته از فناوری‌ها محسوب می‌شوند. درحالی‌که نماد نسل سوم انقلاب اطلاعاتی، اینترنت است که به‌واسطه مبادله وسیع اطلاعات به شکل چشم‌گیری از سایر



فناوری‌های گذشته، متمایز می‌شود (Albert's and papp, 2004:17-23)

مباحث زیادی دربارهٔ تعامل بین فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی با دیپلماسی و سیاست خارجی وجود دارد. مباحثی که راه‌های تأثیرگذاری آن را بر فرآیند تصمیم‌گیری‌ها توضیح داده و تشریح می‌کند. دو نمونه از این تلاش‌های توضیح‌دهنده در اینجا ارایه می‌شود (۱). در نظر نخست که عمدتاً به «نظریهٔ تأثیرگذاری سی‌ان‌ان»<sup>۱</sup> معروف است این فرضیه مطرح می‌شود که اخبار می‌توانند بر شکل‌گیری سیاست‌گذارها بسیار مؤثر باشند و یا حداقل می‌توانند شکل‌دهندهٔ محیط مربوط به تصمیم‌گیری سیاسی باشند (McNulty, 1993:80). نفوذ و تأثیرگذاری عمدهٔ این گونه فناوری‌ها به‌ویژه کانال‌های تلویزیونی به سبب ویژگی‌های خاصی است که از آن برخوردارند: آنها می‌توانند در خلال شبانه‌روز به‌طور مرتب برنامه‌های هدف‌مندانه برای مخاطبین خود پخش کنند در عین حال که مرزها را نمی‌شناسند و به عبارت دیگر می‌توانند از هر کجا به هر کجای دیگر منتقل شده و پخش شوند. به‌علاوه عناوینی را به‌شکل برجسته مطرح کرده و بزرگ می‌نماید که این موضوع به‌نوبهٔ خود در تأثیرگذاری بر افکار عمومی به شکل شاخصی عمل می‌کند و در نهایت قادرند برنامه‌های خود را به شکل زنده پخش کنند در این راستا می‌توان به بحران جنگ ۲۲ روزه اسرائیل علیه غزه اشاره نمود که صحنه‌های دهشتناک آن به‌صورت زنده برای مخاطبان مختلف در صحنهٔ بین‌المللی پخش شد. بد نیست در اینجا اشاره‌ای داشته باشیم به جملهٔ معروف *پطروس غالی* دیرکل سابق سازمان ملل متحد که گفته بود «سی‌ان‌ان، عضو شانزدهم شورای امنیت است (Minear, Scott and Weiss 1996: 6-9). و یا حتی *جرج بوش پدر* در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ در خلال بحران خلیج [فارس] گفته بود که من به‌مراتب مسایل بیشتری از سی‌ان‌ان یاد می‌گیرم تا از سیا (Fiedland, 1992: 7-8) همهٔ این مثال‌ها نشان‌دهندهٔ سرعت بالای انتقال این فناوری‌های نوین است که در قالب شبکه‌های ماهواره‌ای عمل می‌کند و می‌تواند به‌طور گسترده‌ای بر طیف بسیار عمده‌ای از افکار عمومی تأثیرگذار باشد (McNulty, 1993: 82).

امروزه، تأثیر کانال‌های تلویزیونی بر سیاست بین‌الملل صرفاً یک موضوع و پدیده انحصاری غربی محسوب نمی‌شود. در خلال سال‌های گذشته تکثیر اطلاعات رخ داده است و بنابراین کانال‌های غربی انحصار خود را در زمینه پوشش اطلاعاتی و خبری بین‌المللی از دست داده‌اند. امروزه شبکه‌هایی مانند شبکه الجزیره رقیب جدی سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی محسوب می‌شوند. بنابراین انحصار غربی در این زمینه شکسته شده است و این نکته‌ای است که سیاست‌مداران غربی و به‌ویژه آمریکایی‌ها به‌طور جدی متوجه آن شده‌اند. آنها به‌خوبی می‌دانند که اطلاع‌رسانی این‌گونه کانال‌های خبری و اطلاعاتی می‌تواند روحیه ضدآمریکایی را در سطح بین‌المللی تشدید کند (Hansen, 1989: 15).

در نظریه دیگری که تحت عنوان «رضایت سازنده»<sup>۱</sup> مطرح می‌شود بر این موضوع تأکید می‌شود که رسانه‌ها، سیاست‌گذار نیستند بلکه رسانه‌های خبری، بسیج شده و حتی مدیریت می‌شوند تا از سیاست‌های دولت، حمایت کنند. این اندیشه درباره رسانه‌های و تبلیغات توسط *نوام چامسکی* مطرح شد. چامسکی استدلال می‌کند که رسانه‌ها از «قدرت مستقر»<sup>۲</sup> حمایت می‌کنند و به این ترتیب آنها صرفاً نسبت به نیازهای دولت و گروه‌های عمده قدرت پاسخ‌گو هستند (Herman and Chomsky, 1988). در این راستا گفته می‌شود که رسانه‌های عمومی و به‌ویژه سرویس‌های خبری، ضمیمه تلویحی مباحث و نظرات دولتی هستند (Bennett, 1990: 108-111).

اینان در نظریات خود، استدلال‌های غیرقابل‌انکاری را ارائه می‌کنند. در این مدارک مکرر نشان داده می‌شود که دولت‌ها و سایر حمایت‌کنندگان، نفوذ مستقیمی بر کانال‌های تلویزیونی بین‌المللی اعمال می‌کنند و به این ترتیب موفق می‌شوند آنان را در تبلیغ آنچه که مرادشان است ترغیب نمایند. (۳)

### اشکال جدید دیپلماسی و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی

بسیاری از اشکال دیپلماسی در نتیجه تعامل با فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، به‌وجود



آمده است. برخی از پژوهشگران و تحلیل‌گران، در این راستا از اصطلاحاتی مانند «دیپلماسی مجازی»<sup>۱</sup> «دیپلماسی آنی»<sup>۲</sup> و «دیپلماسی زمان واقعی»<sup>۳</sup> و غیره استفاده می‌کنند. در این بین دیپلماسی عمومی و دیپلماسی مجازی دو وجه بسیار جالب تعامل بین دیپلماسی و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی محسوب می‌شوند. می‌توان گفت دیپلماسی عمومی تقریباً قدمتی به اندازه خود دیپلماسی دارد و امپراتوری‌های قدیم نیز برخی اشکال و الگوهای آن را در دوران تاریخی به کار برده‌اند. امروزه این دیپلماسی اشکال جدیدی به خود گرفته است به این صورت که هم از رسانه‌های سنتی و هم از فناوری نوین بهره می‌برد.

دیپلماسی عمومی از فناوری نوین برای نیل به اهداف دیپلماتیک استفاده می‌کند. تعریف مناسب دیپلماسی عمومی را فرایند دولتی ارتباط با بخش خارجی کشورها دانسته‌اند که درصدد ایجاد فهم مناسبی نسبت به اندیشه‌ها و ایده‌های ملی، تعریف فرهنگ و نمادهای آن تبیین و اهداف و عملکردهای یک کشور است (Tuch, 1990:3-5).

برخی دیگر دیپلماسی عمومی را برنامه‌های دولت - محوری می‌دانند که هدفش اطلاع‌رسانی یا تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورها است و در این راستا ابزارهای اصلی آن عبارتند از: انتشارات، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی و رادیو و تلویزیون (US Department of State, 1987:85). شاید بتوان عناصر اصلی دیپلماسی عمومی را مواردی از قبیل: مطبوعات و فعالیت‌های امور عمومی که مربوط به مقامات رسمی دولتی از جمله رئیس‌جمهور، وزراء، دیپلمات‌ها و مقامات رسمی، فعالیت‌های مربوط به اطلاعات و فرهنگ که به وسیله فرستادگان دیپلماتیک کشورها در یک کشور خارجی انجام می‌گیرد، مبادلات آموزشی و فرهنگی، مبادلات بین‌المللی، برنامه‌های رادیو و تلویزیون بین‌المللی و فعالیت‌های تحت حمایت دولت‌ها و همچنین برنامه‌های مربوط به سازمان‌های غیردولتی، دانست.

سازمان‌های بین‌المللی و دیپلماسی چند جانبه مجموعه مناسبی را برای گردهم

1. Virtual diplomacy
2. Instant diplomacy
3. Real-time diplomacy

آوردن فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌کنند. روش‌های دیپلماتیک به تدریج در حال ایجاد رویه واحدی هستند؛ اما هنوز روش‌های ملی نیز وجود دارند که باید مورد مطالعه قرار گرفته و با اهمیت تلقی شوند، زیرا هنوز مؤثر هستند. تعریف روش‌های ملی دیپلماتیک کار مشکلی است اما بدون تردید قسمتی از هنر دیپلماسی محسوب می‌شود. به یقین وقتی که دیپلماسی ملی شاخصه‌های موجود فرهنگی و دینی سایر کشورها و ملل را مدنظر قرار نمی‌دهد، نمی‌تواند یک دیپلماسی مبتنی بر همکاری تلقی شود.

دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی - رسمی در برخی ویژگی‌های اصولی متفاوت است: نخست اینکه دیپلماسی عمومی شفاف و باز است و در سطح گسترده اعمال می‌شود در حالی که دیپلماسی رسمی سوای نشست‌های گاه‌وبی‌گاه، سر بسته و مخفیانه است. دوم اینکه دیپلماسی عمومی به وسیله دولت به سایر دولت‌ها منتقل می‌شود. سوم، دیپلماسی عمومی شامل موضوعات مربوط به رفتارها و سیاست دولت‌هاست در حالی که دیپلماسی عمومی موضوعات مربوط به گرایش‌ها و رفتارها در حیطه امور عمومی را دربر می‌گیرد (Wolf and Rosen, 2005).

به‌طور خلاصه در حالی که دیپلماسی سنتی رسمی، بر روابط بین نمایندگان کشورها و بازیگران بین‌المللی تأکید می‌کند، دیپلماسی عمومی حیطه عمومی را مد نظر قرار داده و مخاطب خود را جوامع خارجی در نظر می‌گیرد، تا شاید بتواند به این وسیله بر گرایش‌های آنان تأثیرگذار باشد. به‌طور کلی، دیپلماسی عمومی ابزار کلیدی در سیاست خارجی رسمی محسوب می‌شود تا در این راستا بتواند اهداف موجود در آن را مورد حمایت خود قرار دهد و یا حداقل سطح خشونت نسبت به کشور را کاهش دهد. شاید بهترین مثال در این زمینه تلاش فراوان دولت امریکا برای بهبود تصویر ذهنی از خود در دنیاست (Wilson, 2001: 14-73).

باید بدانیم که ایجاد تمایز بین دیپلماسی عمومی و سایر واژگان مربوط مانند تبلیغات<sup>۱</sup> و قدرت نرم<sup>۲</sup> نیز امر حائز اهمیت است. اگرچه تبلیغات علی‌الاصول یک واژه بی‌طرف است و حمل به معنای خاص ندارد و عمدتاً به معنای استفاده از

اطلاعات در موارد ویژه است اما با توجه به استفاده از آن به‌ویژه در زمان جنگ اغلب دارای معنای منفی است. امروزه این واژه به‌منظور نشان دادن تلاش دولت‌ها برای نفوذ بر اذهان مردم از طریق اطلاعات دروغ و نادرست با هدف توجیه و حمایت از سیاست خاص استفاده می‌شود. درحالی‌که قدرت نرم بر روی نفوذ غیرمستقیم افراد خارجی استوار است می‌توان گفت قدرت نرم توانایی تحقق اهدافی خاص از طریق جذب کردن و قانع کردن دیگران برای اتخاذ این اهداف است. این موضوع با قدرت سخت متفاوت است که در آن از سیاست هویج و چماق استفاده می‌شود و برای مطیع ساختن دیگران به‌طور عمده ابزارهای نظامی و اقتصادی دخیل هستند. (Nye, 2003). عناصر اساسی قدرت نرم، استفاده از فناوری اطلاعاتی برای مخاطب قراردادن افراد خارجی است که بتوان از آن در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی استفاده کرد (۴).

### دیپلماسی مجازی

در ابتدا باید گفت که هیچ تعریف کاملاً استاندارد و مشخصی از این واژه، وجود ندارد. دوم، در مطالعات دانشگاهی بیشتر بر ابعاد جدید دیپلماسی تأکید می‌شود. اما به‌طورکلی لازم است که بین تعریف حداقلی و حداکثری دیپلماسی مجازی تمایز قایل شویم. در تعریف گسترده یا متسع، بر تعامل و یکپارچگی فناوری جدید اطلاعاتی، به‌ویژه اینترنت که در آن دیپلماسی در همه سطوح برآورنده اهداف دیپلماتیک است، تأکید می‌شود. درحالی‌که در تعریف حداقلی، دیپلماسی مجازی به‌معنای استفاده از فناوری نوین به‌ویژه اینترنت است که در آن مطالب ارایه می‌شود، اطلاعات ردوبدل می‌گردد و مذاکره و ارتباط انجام می‌گیرد (Keohane, 1995: 85-89).

عملکرد سنتی دیپلماسی از زمان طرح و ورود فناوری‌های نوین در اقدامات دیپلماتیک چهره جدیدی پیدا کرده است. می‌توان گفت عناصر بنیادین دیپلماسی مجازی براساس استفاده از اینترنت در زمینه‌های گوناگونی از جمله جمع‌آوری اطلاعات، ارتباطات و مذاکرات، سفارتخانه‌های مجازی و کنفرانس‌ها و مطرح کردن بازیگران جدید دیپلماتیک انجام می‌گیرد.





در زمینه جمع آوری اطلاعات، باید گفت که دستیابی به اطلاعات، همواره دغدغه، مهم دیپلمات‌هاست؛ یعنی کسانی که مدت‌ها دارای انحصار در زمینه گرفتن و دادن اطلاعات دربارهٔ امور بین‌المللی و کشورهای خارجی بوده‌اند. اما از همان ابتدای نسل اول فناوری‌های اطلاعاتی دیپلمات‌های خارج از کشور انحصار خود را بر اطلاعات خارجی از دست دادند. به‌عنوان نمونه اگر امروز دستگاه سیاست خارجی هر کشوری بخواهد از قطعنامه‌ای که توسط سازمان ملل متحد صادر شده مطلع شود یا هر سند قانونی مصوب توسط سایر سازمان‌های دیگر بین‌المللی و یا هر اطلاعاتی را دربارهٔ رخدادهای جهانی به‌دست آورد، نیازمند فرستادگان دیپلماتیک خود نیست چراکه این اسناد اغلب و به‌آسانی در وب‌سایت‌های مربوط به این سازمان‌ها یا کشورهای وجود داشته و قابل دسترسی می‌باشد بنابراین دیپلمات‌ها بیشتر خود را درگیر مسایل دیپلماتیک سطح بالاتری می‌کنند. گسترش ارتباط و مذاکره نیز نکتهٔ دیگری است که باید به آن اشاره کرد. دستیابی به امکانات اینترنتی باعث شده است که دیپلمات‌ها بتوانند به‌آسانی با هم‌تایان خود در سایر کشورها ارتباط برقرار کنند. این ابزار آنها را قادر به گسترش ارتباطات و مذاکرات بین‌المللی بین بازیگران جهانی می‌سازد. این مذاکرات بدون شک به آنها کمک می‌کند تا بسیاری از اختلافات چندجانبهٔ دسته‌جمعی را حل کنند. این شکل جدید از مذاکرات به‌وسیلهٔ اینترنت بدون شک روندهای بوروکراتیک کلاسیک را نیز آسان می‌کند و راه را برای گسترش توافقات جدید بین‌المللی هموار می‌کند.

دیپلماسی حرفه‌ای نیز به‌نوبهٔ خود به‌شدت دستخوش تحولات عمده‌ای بوده روش‌های آن نیز تغییر یافته‌اند. در روابط دوجانبه تقاضای حفظ نمایندگی‌های دیپلماتیک و پست‌های کنسولی مورد تردید قرار گرفته‌اند. اگر چه روش‌هایی که در شیوه‌های سنتی مورد استفاده قرار می‌گرفت هنوز به‌منزلهٔ یک عنصر اساسی در روابط دوجانبه وجود دارد و آن هم برقراری روابط متقابل انسانی است که نمی‌تواند با ارتباطات از راه دور، جایگزین شود. اگرچه امروزه پست‌های دیپلماتیک و کنسولی محدود شده‌اند، اما به‌منزلهٔ سرمایه‌ای گران‌بها در دست کشورهای مبدأ باقی مانده‌اند.

می‌توان گفت اصلی‌ترین فواید مذاکره از طریق اینترنت این است که در این

نوع از گفتگو بیشتر می‌توان بر محتوا و مطالب تمرکز نمود و هیجانات احساسی قابل طرح در مذاکرات چهره‌به‌چهره کمتر نقش دارند. به‌این ترتیب، وضوح و شفافیت بیشتر، طراحی بهتر فرمول‌ها و سطح پایین‌تری از سوء تفاهمات ممکن می‌شود. از طریق اینترنت تطبیق بین متون پیشنهادی میسر شده و می‌توان سوابق مربوط به پیشنهادات و اصلاحات را به شکل ساده‌تری فراهم نمود. از طرف دیگر، می‌توان به عامل زمانی اشاره کرده به این شکل که هر گروه و تیمی قادر خواهد بود که براساس ریتم و سبک مخصوص به خود عمل کند و تفاوت زمانی می‌تواند به یک نکته مفید تبدیل شود. به‌این ترتیب راه برای ارائه روش‌های آسان و قابل اعتماد در راستای تهیه متن نهایی هموار می‌شود. نکته دیگری که در این مجموعه باید به آن اشاره کرد، این است که در این نوع از مذاکرات، بیش از دو طرف می‌توانند به راحتی مشارکت داشته باشند. در نهایت اگر جنبه مالی قضیه را هم مورد ارزیابی قرار دهیم، هزینه‌ها به مراتب پایین خواهند بود و منافع بیشتری نیز حاصل خواهد شد.

پژوهشگران و دانشگاهیانی که در زمینه تأثیرات فناوری جدید بر دیپلماسی کار کرده‌اند، اصطلاح دیگری با عنوان سفارتخانه مجازی را مطرح نموده‌اند. البته سؤال محوری این است که آیا سفارتخانه‌های مجازی می‌توانند جانشین سفارتخانه‌های کلاسیک به همراه سفرای ساکن و مقیم آنها شوند. قطعاً مشکل است که پاسخ قاطعانه‌ای به این سؤال ارایه کنیم چراکه به‌نظر می‌رسد فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطی نه ابزار جانشین بلکه تکمیل‌کننده ابزارهای کلاسیک دیپلماسی است (۵). یکی از انگیزه‌های مهم در سفارت مجازی، هزینه پایین آن در مقایسه با سفارت‌های کلاسیک است و درعین حال سفارت مجازی هزینه‌های انسانی را در سطح پایینی نگه می‌دارد (Sucharipa, 2003).

امروزه در برخی از سفارتخانه‌ها، تقاضای ویزا از طریق مجازی و پرداخت‌ها نیز از طریق اینترنتی انجام می‌شود. سفارت مجازی ممکن است در کشور میزبان و یا جای دیگر باشد، امری که طی جنگ بوسنی انجام شد (Smith, 2000). هم ارتباطات ماهواره‌ای و هم ارتباطات اینترنتی، در زمینه امور دیپلماتیک تأثیرگذار بوده‌اند. نمونه‌هایی از این موضوع در میان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی وجود

دارد که اسناد را از طریق شبکه‌های اینترنت بین خود مبادله می‌کنند. همه این موارد نشان‌دهنده وابستگی متقابل و فزاینده در دنیاست. اکنون مسایلی که بخشی از جمعیت دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد قابلیت تسری به همه دنیا را دارد. روند جهانی شدن تقویت‌کننده «روند یکی شدن» در دنیاست، دنیایی که درعین حال در واگرایی و بومی‌گرایی و شکاف فزاینده فقرا و ثروتمندان به سر می‌برد. همه این تحولات چالش‌های جدیدی برای دیپلماسی در سطح جهانی می‌آفریند. حفظ صلح مثبت و ایجاد امنیت جامع، ارتقای وضعیت حقوق بشر، همکاری اقتصادی و توسعه پایدار، تسهیل کمک‌های بشر دوستانه، جلوگیری از تروریسم و فعالیت‌های جنایی می‌طلبند که تغییرات جهانی به شکل تکاملی به سمت روش‌های غیرخشونت‌آمیز و روندهای مردمی هدایت شوند. یکی از ترجیحات در این راستا ایجاد دولت خوب و کارآمد در سطح ملی و بین‌المللی است.

### شکل‌گیری کنش‌گران جدید دیپلماتیک

دیپلماسی کلاسیک دارای دو ویژگی برجسته بود. اول اینکه کشورها از اصلی‌ترین بازیگران بین‌المللی بودند و دوم اینکه وزارت خارجه کشورها وزرای انحصاری داشت که کارشان مدیریت امور مربوط به فعالیت‌های خارجی کشورها بود. این تصور از دنیای سیاست در خلال دهه‌های گذشته تغییر یافته است. امروزه ملت - کشورها تنها بازیگران دیپلماتیک در صحنه روابط بین‌الملل نیستند. وزارت خارجه کشورها نیز، تنها نماینده انحصاری دولت‌ها در سطح بین‌المللی نمی‌باشند.

انحصار وزارت خارجه با مشارکت سایر نهادهای دولتی و وزرای مربوط به چالش کشیده شده است. این روند به دو شکل تجلی می‌یابد. نخست اینکه همه وزرا به نوعی در کنش‌های مربوط به روابط بین‌الملل مؤثر هستند. به‌عنوان نمونه حتی وزارت کشور در زمینه مقابله و مدیریت بحران‌های مربوط به تروریسم، مهاجرت و امنیت فعال است و یا وزارت اقتصاد به مدیریت مذاکرات با صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup> و یا بانک توسعه و بازسازی بین‌المللی<sup>۲</sup> می‌پردازند و وزارت

1. International Monetary Fund

2. International Bank for Reconstruction and Development

بهداشت فعالیت‌ها را برای ارتقای بهداشت بین‌المللی از طریق سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup> دنبال می‌کند.

وجه بعدی موضوع جایی است که وزرایی در کنار وزیر امور خارجه منصوب می‌شوند که دارای صلاحیت‌های خاص جغرافیایی بخش و یا بخش تخصصی هستند. در مورد وزرایی که دارای صلاحیت جغرافیایی هستند می‌توان به آنهایی اشاره کرد که به حیطه‌های جغرافیایی ویژه مانند امریکای لاتین، اروپا، آسیا و آفریقا و غیره تخصیص می‌یابند و در مورد وزرایی که در بخش تخصصی گمارده می‌شوند می‌توان به آنانی اشاره کرد که در برخی موضوعات ویژه کارآمد هستند. مانند تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی و مهاجرت‌های بین‌المللی. بنابراین در یک دنیای وابستگی متقابل پیچیده،<sup>۲</sup> می‌توانیم مدعی شویم که نمی‌توان وزیری را پیدا کرد که در امور خارجی مداخله نکند (Bennet, 2003: 55-63).

به علاوه صلاحیت‌های گسترده‌ای به پدیده‌های منطقه‌ای و علمی اعطا می‌شود. موضوعی که به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته دارای مصداق است و این امر باعث شده موضوعات زیادی از انحصار دولت‌های مرکزی بیرون بیاید. برخی زیرگروه‌های ملی شروع به ایجاد سازمان‌های نمایندگی خود در خارج از کشور کرده‌اند. شاید جالب‌ترین مثال در این باره جریان لاندرز<sup>۳</sup> باشد که شرکت‌های نماینده خود را در بروکسل افتتاح کرد تا به این ترتیب بتواند بر روند تصمیم‌گیری در کمیسیون اروپا و سایر نهادهای مربوط در ساختار اتحادیه اروپا تأثیرگذار باشد (Saner and Yiu, 2003).

در دیپلماسی کلاسیک تأکید بر نقش ملت - کشورها در روابط بین‌الملل به مثابه بازیگر اصلی در عرصه نظام جهانی است. از زمان ظهور نظام وستفالی، دیپلماسی کلاسیک تنها بر روابط بین ملت - کشورها تأکید می‌کند، به‌طور خلاصه این عرصه، حیطه انحصاری اعمال قدرت بازیگران دولتی بوده است و تنها نقش بسیار جزئی و اندکی به بازیگران غیردولتی اعطا شده است (Martin, 2004: 16-19).

- 
1. World Health Organization
  2. Complex Interdependence
  3. German Landers



این بستر تحت تأثیر شدید رهیافت ریبیل پولیتیک<sup>۱</sup> است که در واقع نقش برجسته را صرفاً به ملت - کشورها در عرصه روابط بین‌الملل اعطا می‌کند. با این وجود، ساختار روابط بین‌الملل پس از پایان جنگ دوم جهانی دستخوش تحولات بسیار عمده‌ای شده است. این دوره شاهد ظهور بازیگران دیپلماتیک جدید دولتی و غیردولتی بوده است و در عین حال فناوری ارتباطی و اطلاعاتی نیز شدیداً توسعه یافته است. در این راستا دیپلماسی را «هنر ارتقای منافع ملی از طریق پیشرفت و توسعه منافع ملی به وسیله مبادله مستمر و پایدار اطلاعات بین دولت‌ها و ملت‌ها و سایر گروه‌ها» نامیده‌اند (Smith, 2000).

عنصر اساسی این تعریف جدید دربرگیری و ورود سایر بازیگران و اولویت و اهمیت دادن به ارتباطات است (Martin, 2004: 22).

شکل‌گیری بازیگران جدید دیپلماتیک در درون و خارج کشورها یکی از مهم‌ترین وجوه روابط معاصر بین‌المللی است. بازیگران دیپلماتیک غیردولتی غالباً مستقل از وزارت خارجه کشورها عمل می‌کنند. این پدیده جدید باعث شده تا برخی از پژوهشگران به دنبال تعریف جدیدی از دیپلماسی باشند. برخی، دیپلماسی را سازوکار نمایندگی، ارتباط و مذاکره می‌دانند که از طریق آنها کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی امور مربوط به خود را به انجام می‌رسانند (Melissen, 1999: XVI-XVII). در این تعریف طبیعت روابط بین‌الملل معاصر و دیپلماسی به وسیله مشارکت بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی متمایز شده است.

بازیگران غیردولتی بر برنامه‌های سیاست بین‌الملل تأثیرگذار هستند. آنان در عرصه‌های گوناگونی وارد شده‌اند تا بتوانند اهداف خود را محقق کنند. شاید یکی از نمونه‌های بسیار برجسته در این راستا «مبارزه بین‌المللی برای تحریم مین‌های زمینی ضد پرسنل»<sup>۲</sup> باشد که به وسیله سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در اکتبر سال ۱۹۹۲ شروع شد. شایسته است اشاره کنیم که موفقیت سازمان‌های غیردولتی در زمینه تحقق اهدافشان مبتنی بر استفاده مناسب و کارآمد از فناوری جدید اطلاعاتی به ویژه اینترنت است (۶).

1. Real-politic

2. International Campaign to Ban Antipersonnel Landmines

امروزه بازیگران غیردولتی می‌کوشند تا خود را مدافعان اصلی افراد و گروه‌های محروم، تحت ستم، تحت تعقیب و حاشیه‌ای معرفی کنند. در همین راستاست که ما در خلال دهه‌های گذشته شاهد مطرح شدن موضوعات متفاوتی از طرف بازیگران غیردولتی هستیم. نقش این بازیگران در دیپلماسی تنها به ایفای اشکالی از دیپلماسی بین‌المللی محدود نمی‌شود؛ بلکه به تدریج آنها تأثیر بسیار زیادی روی تصمیم‌گیران سیاست خارجی نیز می‌گذارند. بنابراین بازیگران غیردولتی توسط سازمان ملل متحد به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کنش‌گران نشست‌های جهانی که خود سازمان برگزار می‌کند به رسمیت شناخته شده‌اند (۷).

آیا این گسترش بازیگران غیردولتی اقتدار کشورها در دیپلماسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ برخی این اهمیت فزاینده بازیگران غیردولتی را چالش مستقیمی در مقابل کشورها و دولت‌های آنها می‌دانند چراکه آنها باعث کاهش جدی نقش دولت‌ها در شکل‌گیری و اعمال سیاست داخلی و خارجی کشورها می‌شوند.

البته به‌رغم ادعاهای گوناگون، باید خاطر نشان ساخت که ارتباط بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی در این زمینه‌ها، به این معنا نیست که بازیگران غیردولتی جانشین دولت‌ها هستند و یا در تنازع با آنها می‌باشند. بلکه برعکس، روابط بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی بازی با حاصل جمع جبری صفر نیست بلکه باید به‌عنوان ارتباطی خلاق مبتنی بر همکاری و تکمیل‌کننده یکدیگر در نظر گرفته شود. امروزه ملت - کشورها دیگر قادر نیستند همه مسایل خود را به‌تنهایی حل کنند. آنها ناچارند برای مواجهه با مسایل گوناگون مانند باران اسیدی، آلودگی اتمی اتمسفر، تغییرات آب‌وهوایی، کمبود مواد غذایی، فقر، افزایش جمعیت و کمبود منابع طبیعی با یکدیگر همکاری کنند (Ataman, 2003).

امروزه در شرایط نوین بین‌المللی و با کم‌رنگ شدن تدریجی بازیگران دولتی، نقش فزاینده‌ای برای کنش‌گران غیردولتی ایجاد شده است، البته نمی‌خواهیم ادعا کنیم که کنش‌گران غیردولتی در تصمیم‌گیری نقش دارند، اما می‌توان این ادعا را مطرح کرد که اینان در ایجاد زمینه‌های مناسب برای تصمیم‌گیری دولت‌ها به‌مراتب به شکل مؤثرتر از گذشته نقش‌آفرین هستند. امروزه بازیگران غیردولتی در مقام مشاوره با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی قرار دارند. سازمان ملل متحد با

استناد به منشور، از نظرات کارشناسان آنان استفاد می کند البته عمده فعالیت های آنان در زمینه خلع سلاح، حقوق بشر و محیط زیست است.

### نتیجه گیری

آنچه گفته شد نیازمند سازماندهی مجدد و اصلاح ساختارهای فعلی دیپلماتیک است. هرگونه سازماندهی مجدد وزارتخانه های خارجه باید بازنگری دیپلماتیک کنش گران جدید عرصه بین المللی را به طور جدی در نظر بگیرد درحالی که سازمان های دولتی جدید یا بازیگران غیردولتی در حیطه مسایل جهانی نیز به شکل جهانی وارد شده اند. بسیاری از موضوعات جدید مانند حقوق بشر، موضوعات زیست محیطی، حمایت از قربانیان جنگ و غیره از حیطه انحصاری وزارت خارجه کشورها بیرون می آید. بنابراین در اصلاح و بازسازی وزارت خارجه کشورها باید در روند تصمیم گیری دیپلماتیک به بازیگران غیردولتی نیز به عنوان قسمتی از روابط دیپلماتیک جدید، نقش اعطا نمود. از طرف دیگر، تغییرات و تحولات جهانی اخیر، به ویژه در زمینه فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطی بر روش های فرموله کردن و اعمال سیاست خارجی کشورها تأثیر گذاشته است. بنابراین لازم است آنها به شکل کاملی در این سیستم ادغام شده و به شکل منطقی و مؤثری فناوری های نوین به ویژه اینترنت در سطوح مختلف اعمال سیاست خارجی در نظر گرفته شود.

به طور خلاصه، بهترین راه و کوتاه ترین راه برای اعمال این نتایج، تربیت و آموزش دیپلمات ها به نحوی است که بتواند تعامل مناسبی با بازیگران جدید دیپلماتیک در عرصه بین المللی داشته باشند و از فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی به ویژه اینترنت در کارهای روزمره دیپلماتیک خود به شکل بهینه استفاده کنند. دیپلماسی نوین نیازمند مهارت های گوناگونی است به ویژه هنر و علم مذاکره و اینکه بتواند در محیطی چندفرهنگی عمل کند، محیطی که بازیگران مختلفی دارد و با توجه به انعطافاتی که درباره دیپلماسی وجود داشته است این امیدواری وجود دارد که در آینده نیز دیپلماسی نوین بتواند خود را با شرایط متحول قرن بیست و یکم هماهنگ کند. \*



### پی‌نوشت‌ها

۱. شبکه‌ها می‌توانند فراسوی ساختارهای ملی حرکت کنند، اعضای یک گروه منطقه‌ای می‌توانند توانایی و تأثیر خود را در بازیگری‌ها و نقش‌آفرینی‌های مختلف به این وسیله ارتقا بخشند، زیرا قادرند با نمایندگان خود در تماس مستمر باشند. این امر در مورد سازمان‌های منطقه‌ای مربوط به آنها نیز مؤثر است و اطمینان حاصل می‌شود که فرستاده‌ی یک کشور می‌تواند سایر کشورها را نیز تحت پوشش قرار داده و به آنها خدمت‌رسانی کند. امروزه سازمان‌های بین‌المللی از شبکه‌های اطلاع‌رسانی برای دسترسی به کتابخانه‌ها و اسناد نیز استفاده می‌کنند و این منابع در اختیار کشورهای عضو نیز قرار می‌گیرد.
۲. این درحالی است که پایان جنگ سرد نیز شدیداً صحنه سیاست بین‌المللی را متحول ساخته است. این امر درحالی است که ما امروزه شاهد تحولی ساختاری در پارادایم مدنی جهانی هستیم که نه تنها بر واحدهای سیاسی جهان تأثیرگذار بوده و می‌باشد، بلکه به وجود آورنده‌ی بازیگران جدید جهانی در روابط بین‌الملل است.
۳. به‌طورکلی می‌توان گفت که دیپلماسی اقتصادی محور درحال تفوق بر دیپلماسی سیاست‌محور است. با گسترش عمده تجارت بین‌المللی، افزایش قدرت شرکت‌های تجاری خصوصی و نقل و انتقال الکترونیک پول و سرمایه بانک‌های مرکزی و وزرای اقتصادی تحت‌الشعاع قرار گرفته‌اند. این موضوع در حالی است که اقتصاد بین‌الملل هر چه بیشتر جنبه رقابتی پیدا کرده و با توسعه سریع کشورهای حوزه اقیانوسیه و باز شدن درهای اقتصادی کشورهای بزرگی مانند روسیه و چین به دنیای خارج، بازار جهانی گسترش زیادی یافته است. عمده‌تأهمه دولت‌های دنیا به دنبال حفظ شرایط رقابتی اقتصاد خود هستند بنابراین امروزه تصمیمات اقتصاد خصوصی گزینه‌های فراسوی دولت‌ها را کنترل می‌کنند.
۴. نکته قابل توجه این است که همواره ایجاد تحول در دیپلماسی و گرایش به مدرنیسم در آن در گرو تحول و تغییر در ساختارهای جهانی بوده است. این تحول از کهنه به نو مدیون کم‌رنگ شدن تقابلات ایدئولوژیک در سطح جهانی و گسترش نقش کنش‌گران غیردولتی و تحول شگرف در فناوری اطلاعاتی و رسانه‌ای، آگاهی روزافزون مردم جهان، امعان نظر نسبت به مسایل مهم جهانی مانند موضوعات مربوط به ایدز، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، حفظ محیط زیست، انفجار



- جمعیت، توسعه نیافتگی، بحران دیون، مهاجرت‌های گسترده مردم از کشورهای جنوب به شمال، نابرابری اقتصادی فزاینده در دنیا و نظایر آن بوده است.
۵. در راستای موفقیت و کسب اهداف مطلوب، دیپلمات‌ها باید که در محل مستقر شوند و بتوانند برای مدت طولانی در آنجا اقامت کنند تا رضایت آنان را به دست آورند و اگر این گونه نشد و نتوانستند کسب اعتماد کنند باید فوراً عقب‌نشینی نموده و جایگزین شوند. قواعد سنتی در مورد دوره مأموریت‌های دیپلماتیک در چنین شرایطی بی‌معناست. نکته حایز اهمیت این است که صلاحیت‌ها و شایستگی‌های فردی مانند سلامتی، توانایی و صبر در مقابل شرایط سخت و پیچیده، توانایی گوش دادن به حرف‌های تکراری و بی‌پایان، مهم‌تر از دانش عمیق نسبت به حقوق بین‌الملل اقتصاد جهانی و روابط بین‌المللی است. اگر چه بدیهی است چنین شخصی نمی‌تواند یک دیپلمات خوب سنتی باشد.
۶. به جرات می‌توان گفت مهم‌ترین عامل سیاست خارجی تأثیرگذار بر دیپلماسی نوین سازمان‌های غیردولتی هستند. این موضوع به خوبی از دیدگاه و منش سازمان ملل متحد هویدا است برای نمونه امروزه حدود دوهزار سازمان غیردولتی به طور رسمی در سازمان ملل مستقر در ژنو به ثبت رسیده‌اند. همه آنها بین‌المللی هستند و حداقل در دو یا سه کشور و یا بیشتر شعبه دارند. اگرچه موقعیت آنان با دیپلمات‌ها متفاوت است ولی عملاً در روندهای دیپلماتیک به ویژه در ارتقای مباحث مربوط به حقوق بشر و محیط زیست به طور جدی مشارکت دارند.
۷. در سطح کلان یکی از تحولات عمده در زمینه دیپلماسی نوین، توسعه سازمان‌های چندملیتی و سازمان‌های منطقه‌ای و شبه منطقه‌ای است. جامعه اروپایی، اوپک، آسه‌آن و نفتا، تنها موارد مستوری از ساختارهای فرامرزی هستند که قسمتی از حاکمیت دولت‌های عضو خود را مدعی هستند. آنان درصددند با گسترش فعالیت‌های دیپلماتیک خود در صحنه‌های مختلف نقش‌آفرین باشند و محدودیت‌هایی را که به وسیله دولت‌های ملی به وجود می‌آید مانند تحمیل عوارض و تعرفه‌های گمرکی حذف کنند.



## منابع

1. Albert, David, and Daniel S. Papp. 2004. *The Information Age: An Anthology on its Impact and Consequences*. Hawaii: University Press Pacific.
2. Ataman, Muhittin. 2003. "The Impact of Non-State Actors on World Politics: a Challenge to Nation- States", *ALTERNATIVES*, Turkish Journal of International Relations, Vol. 2 Number 1; [www.alternativesjournal.net/volume2/number1/ataman2.htm](http://www.alternativesjournal.net/volume2/number1/ataman2.htm) (accessed on October 10, 2008)
3. Bennett, W. 1996. "Lance, Toward a Theory of Press-State Relations in the United States, *Journal of Communication*", 40 (2).
4. Bennet, W. Lance. 2003. *News: The Politics of Illusion*, New York: Addison Wesley, Longman.
5. Friedland, Lewis A. 1992. *Cohering the World: International Television News Services*. New York: 20<sup>th</sup> Century Fund.
6. Gilboa, Eytan. 2002. "The Global News Networks and US Policymaking in Defense and Foreign Affairs", Working Paper, Harvard University, The Joan Shorenstein Center. <http://www.ksg.harvard.edu/Prespol/Research-Publications/papers/working-papers/2002-6.pdf> (accessed on April 9, 2008).
7. Hansen, Allen, C. 1998. *USIA, Public Diplomacy in the Computer Age*, 2<sup>nd</sup> Ed., NY: Praeger.
8. Herman, Edward S. and Noam Chomsky. 1998. *Manufacturing Consent: The Political Economy of the Mass Media*. New York: pantheon Books. And Keohane Robert and Joseph Nye. 1998. "Power and Interdependence in the Information Age.", *foreign Affairs*.
9. McNulty, Timothy J. 1993. "Television's Impact on Executive Decision- Making and Diplomacy", *The Fletche forum of world Affairs*, 17.
10. Melissen, Jan. 1999. *Innovation in Diplomatic Practice*. London: Macmillan.
11. Minear Larry, Collin Scott, and Thomas G. Weiss. 1996. *The New Media*,



*Civil War and Humanitarian Action*. Boulder: Lynne Rinner.

12. Martin, Todd. 2004. "Virtual Diplomacy". London: Mcmillan.
13. Nye, Joseph. 2003. "Propagand isn't the way: Soft Power", The International Herald Tribune 10. [http://www.ksg.harvard.edu/news/opeds/2003/nye\\_soft\\_power\\_iht\\_011003.hm](http://www.ksg.harvard.edu/news/opeds/2003/nye_soft_power_iht_011003.hm) (accessed on April 19, 2008)
14. Robinson, Piers. 1999. "The CNN Effect: Can News Media Driver Foreign Policy, Review of International Studies.
15. Saner, Raymond and Lichia Yiu. 2003. *International Economic Diplomacy: Mutations in Post – modern Times*; Clingendael, Institute Netherlands Institute of International Relations.
16. Sucharipa, Ernest. 2003. "21<sup>st</sup> Century Diplomacy". [http://diplomacy.edu/lms/pool/BD %20 materials/Sucharipa.htm #\\_ftn1](http://diplomacy.edu/lms/pool/BD%20materials/Sucharipa.htm#_ftn1) (accessed on August 15, 2008)
17. Smith, Gordon S. 2000. "Reinventing Diplomacy: A Virtual Necessity", Virtual Diplomacy, (US Institute of peace), Series No. 6. [http://www.usip.org/Virtual diplomacy/ publications/ reports/ gsmithISA99. Html](http://www.usip.org/Virtual%20diplomacy/publications/reports/gsmithISA99.html) (accessed on April 9, 2008)
18. Tuch Hans. 1990. *Communicating with the world*. New York: St. Martin's Press. US Department of States. 1987. Dictionary of International Relations Terms. New York.
19. Wilson, Dizard Jr. 2001. "Digital Diplomacy: US Foreign policy in the Information Age". NY: Praeger.
20. Wolf, C. Jr., and Rosen, B. 2005. "Public diplomacy: Lessons from king and Mandela, Policy Review 133, Internet Edition. [http://www.policy review. org/octo5 /wolf.html](http://www.policyreview.org/octo5/wolf.html) (accessed on April 20, 2008)

┌

┐

└

┘